روزنامه سیستان و بلوچستان
دوشنبه ۳۰ مرداد ۱۳۹۶ . ۲۸ ذی‌القعده ۱۴۳۸ . شماره ۹۱۴۰
www.khorasannews.com
e-mail:info@khorasannews.com

روزنامه سیستان و بلوچستان: رتبه هشتم نشریات استانی
سرپرستی زاهدان: خیابان مولوی-نبش مولوی ۲۱
تلفن آگهی و اشتراک: ۰۵۴ ۳۳۲۱۷۸۶۶
تلفن مسئول تحریریه: ۰۵۴ ۳۳۲۱۷۸۶۹
نمابر تحریریه: ۰۵۴ ۳۳۲۱۷۸۶۴
تلفن‌های تحریریه: ۳-۰۵۴ ۳۳۲۱۷۸۶۲
تلفن و نمابر سرپرست دفتر: ۰۵۴ ۳۳۲۱۷۸۶۵
چاپخانه: شهر چاپ خراسان

صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی هنری خراسان
مدیر مسئول: محمد سعید احدیان
سردبیر: علی ولی زاده
دفتر مرکزی: مشهد، بلوار سازمان آب
صندوق پستی: ۵۱۱-۹۱۷۳۵
تلفن: ۰۵۱-۳۷۶۳۴۰۰۰
نمابر شهرستان‌ها: ۰۵۱ ۳۷۶۷۴۳۳۴
پیامک: ۲۰۰۰۹۹۹

دختری که خانه برایش امن نبود!

قصه ۱۱ سال زندگی پرغصه

گروه حوادث- کودکی و همه زندگی ام در خانه ای تباه شد که باید پناهگاهم می بود. «سوگند» ۲۰ ساله با گفتن این جمله، قصه پر غصه ۱۱ سال زندگی اش را برای خبرنگار ما روایت می کند: تک فرزند خانواده ای با سطح اجتماعی بالا بودم. پدرم وکیل و مادرم معلم بود. ۵ سال بیشتر نداشتم که مادرم را در سانحه رانندگی از دست دادم و یک سال از فوت مادرم می گذشت که پدرم تصمیم به ازدواج با زنی گرفت که ۲۰سال از خودش بزرگ تر بود. نامادری ام ۵ فرزند از همسر اولش داشت همه باهم زندگی می کردیم کوچک ترین عضو خانواده بودم اما کمتر از خواهر و برادرهایم به من توجه می شد.

نامادری ام خیلی بداخلاق بود و با کوچک ترین اشتباهی که از من سر می زد کتکم می زد. بارها از رفتار بد نامادری ام به پدرم شکایت کردم اما حرفم را باور نمی کرد. نامادری ام هم به پدرم می گفت که «سوگند» فقط می خواهد خودش را برای تو عزیز کند و حرفایش واقعیت ندارد! دفاع از من بدون هیچ برخوردی با نامادری ام در ناز و نوازش های پدرانه خلاصه می شد.

آغاز مشکلات از ۹ سالگی

۹ سالم بود، یک روز که در خانه تنها بودم برادر ناتنی ام به خانه آمد و زمانی که متوجه شد جز من کسی در خانه نیست فکر شومی که به گفته خودش مدت ها در سرش داشت را پیاده کرد. هیچ امیدی نداشتم زمانی که نامادری ام آمد موضوع را با او در میان گذاشتم حرفم را باور نکرد و به خاطر این حرف به شدت از سوی او تنبیه شدم. تهدیدم کرد که اگر از این موضوع حرفی به پدرم بزنم مرا خواهد کشت.

پس از چند روز با بدتر شدن شرایط روحی ام از ترس این که پدرم متوجه نشود مرا به خانه خاله ام فرستاد. همه چیز را برای خاله ام تعریف کردم و با رفتن نزد پزشک ادعایم ثابت شد اما خاله ام از ترس آبرویش نزد فامیل همسرش ترجیح داد حرفی نزند.

به فرار پناه بردم

در ۹ سالگی زندگی را از دست رفته تصور می کردم. شوهرخاله ام بعد از یک ماه از حضور من در خانه اش شکایت داشت و به همین دلیل سر هر موضوع کوچکی دعوا راه می انداخت. شرایط زندگی در خانه خاله ام سبب شد فکر فرار از آن جا به سرم بزند.

بنابراین فرار کردم و چند روزی در خیابان ها سرگردان بودم که توسط مأموران دستگیر شدم به خانواده ام اطلاع دادند و بعد از بازگشت به خانه از سوی پدرم تنبیه شدم.

زندگی در خانه ای که امنیت نداشتم برایم سخت شده بود دوباره فرار کردم و چند ورزی در پارک و خیابان سپری کردم که این بار پس از دستگیری به کانون اصلاح و تربیت منتقل شدم.

در آن جا با چند نفر دوست شدم و تصمیم گرفتیم از آنجا فرار کنیم و این کار را کردیم. پس از فرار، چون درآمدی نداشتم در خیابان ها دست فروشی می کردم. پس از مدت کوتاهی با یک تیم مواد فروش آشنا شدم به مواد فروشی روی آورده بودم که کم کم خودم هم استفاده کننده شدم و در ۱۳ سالگی به یک معتاد حرفه ای تبدیل شدم.

وجودم را انکار کردند

از دور جویای حال خانواده ام بودم. پدرم با سرطان دست و پنجه نرم می کرد. خواهر و برادرهای ناتنی ام همه استخدام شده بودند و دو نفر از آن ها نیز برای ادامه تحصیل به خارج رفته بودند اما برای من زندگی در همان ۹ سالگی پایان یافت. ۸ سال از آن اتفاق گذشت که بیماری پدرم را از پای در آورد و فوت کرد. تصمیم گرفتم با ارثیه پدری زندگی ام را بسازم.

دلم یک زندگی با سراسر آرامش می خواست اما برای گرفتن حق و حقوقم به شناسنامه نیاز داشتم. به ثبت احوال مراجعه کردم اما گفتند برای شناسنامه ام اعلام فوت شده است و باید از طریق قانون ادعایم را ثابت کنم. تا وقتی شناسنامه نداشتم نمی توانستم برای ارثیه اقدام کنم آن هم در حالی که نامادری ام وجود مرا انکار می کرد.

امیدی بی سرانجام

برای کارهای شناسنامه و ارثیه به دادگاه مراجعه کرده بودم که با خانمی آشنا شدم. با شنیدن داستان زندگی ام از من خواست با پسرش که محکوم به حبس ابد بود ازدواج کنم سرپناهی نداشتم و این پیشنهاد برایم عالی بود و من که مشکلاتم را تمام شده تصور می کردم پیشنهادش را پذیرفتم.

زندگی بدون عقد رسمی را کنار مردی که تفاوت سنی زیادی با من داشت آغاز کردم هر زمان که می گفتم چرا عقدمان را ثبت نمی کنی او و خانواده اش به بهانه این که شناسنامه ندارم این موضوع را به تعویق می انداختند تا این که حامله شدم. با شنیدن خبر بارداری من گفتند نباید فرزندی که مادرش تو باشی و پدرش یک مرد حبس ابد خورده به دنیا بیاید چرا که آینده درستی نخواهد داشت و او هم به راه خلاف کشیده خواهد شد.

برای نجات فرزندم از خانه مردی که پدر فرزندم محسوب می شد فرار کردم هر هفته را در خانه یکی از دوستان دوران مجردی و زمان اعتیادم می گذراندم تا این که فرزندم به دنیا آمد اما چون شرایط نگهداری اش را نداشتم ناچار شدم او را به خانواده ثروتمندی فروختم که بتوانم با پولی که از فروش او به دست می آورم زندگی جدیدی بسازم.

کودکی و همه زندگی ام در خانه ای تباه شد که باید پناهگاهم می بود.

بعد از اشتباه برادر ناتنی ام اگر پدر و نامادری ام به جای تنبیه از من حمایت می کردند حالا من هم مانند دیگر خواهر و برادرهایم سری میان سرها داشتم و برای ادامه زندگی مجبور به فروش فرزندم نمی شدم.

سایه روشن

دوست‌ناباب

شهرکی- هنگامی متوجه اشتباهم شدم که دیگر دیر شده بود. یاسین ۱۹ ساله در حالی که با ناراحتی داستان زندگی اش را تعریف می کرد گفت: دانش آموز درس خوانی بودم و دلم می خواست در یک رشته خوب و دانشگاه معتبر قبول شوم و ادامه تحصیل بدهم به همین دلیل همیشه در حال درس خواندن بودم. پدر و مادرم هم شرایط لازم برای درس خواندم را آماده می کردند، اما هرگز صمیمانه به صحبت هایم گوش نمی دادند. اگر چه از نظر مالی تامین بودم اما نیاز به محبت و حتی سخت گیری پدر و مادر برای درس خواندن و رفت و آمدم داشتم.

گاهی دلم می خواست یک بار مرا بازخواست کنند که چرا دیر آمدی، چرا نمره ات کم شد یا تا این موقع کجا بودی؟ من همیشه همه چیز داشتم و تنها خواسته پدر و مادرم از من درس خواندن بود که آن را هم به نحو مطلوب انجام می دادم. گاهی با دوستان به کتابخانه یا پارک می رفتیم و درس می خواندیم.

یک بار که در پارک منتظر دوستانم بودم فردی که پاتوقش آن جا بود نزدم آمد و با من هم صحبت شد و از آن جا که فردی خوش مشرب بود توانست خیلی زود اعتماد من را به خودش جلب کند.

کم کم یکی از دوستان صمیمی ام شد و چون می دانست خیلی به درس خواندن علاقه دارم پیشنهاد مصرف دارویی را داد که با استفاده از آن می توانم ساعات بیشتری را درس بخوانم. من هم که در تب و تاب کنکور و استرس آن بودم با تردید قبول کردم که کاش نمی پذیرفتم. دو سه روز یک بار یکی از آن قرص ها می خوردم و به گمان افزایش حافظه و بیداری برای درس خواندن مشغول درس می شدم اما مصرف آن ها تمرکزم را کم کرد و برای بهبود اوضاع هر روز مصرف می کردم. دیگر در درس خواندن تمرکز نداشتم و به بهانه های مختلف از پدرم پول می گرفتم تا داروها را تامین کنم و او هم به رفتارهای من مشکوک شد.

در آزمون های آزمایشی برای آمادگی در کنکور شرکت می کردم که دچار افت رتبه شدم و والدینم از این موضوع ناراحت شدند. پدرم به رفتارها و بهانه های من برای پول گرفتن مشکوک شد و سرانجام فهمید که پول ها را صرف تامین داروهای روان گردان می کنم. فقط یک ماه به کنکور باقی مانده بود اما من خود را درگیر مصرف داروهایی اعتیاد آور کرده بودم. بیشتر از یک ماه است تحت درمان هستم.

شاید اگر والدینم سخت گیری بیشتری نسبت به من می داشتند و روزی چند دقیقه با من همکلام می شدند گرفتار دوست ناباب نمی شدم و ۱۲ سال تلاشم بی ثمر نمی ماند.

هشدار

مقررات مربوط به عابران پیاده

طبق ماده ۸ قانون نحوه رسیدگی به تخلفات و اخذ جرایم رانندگی مصوب خرداد ۱۳۵۰ در صورتی که عابر پیاده در عبور از سواره رو و معابر و خیابان ها جز از نقاطی که خط کشی شده و مخصوص عابر پیاده است (محل مجاز)، از محل دیگری (محل غیرمجاز) عبور کند متخلف شناخته می شود و در صورت تصادف با وسیله نقلیه اگر راننده کلیه مقررات راهنمایی و رانندگی را رعایت کرده باشد مقصر شناخته نخواهد شد. طبق ماده ۱۹۰ به جز ماموران انتظامی هیچ کس حق ندارد برای هدایت یا حفاظت وسایل نقلیه در سواره روی خیابان بایستد یا قدم بزند. براساس ماده ۱۹۱ عابران پیاده موظف هستند در محل هایی که پیاده رو وجود دارد از داخل سواره رو عبور نکنند. در محل هایی که پیاده رو وجود ندارد هنگام حرکت از سواره رو به منتهی الیه سمت چپ خود به طوری که حرکت وسایل نقلیه مقابل در خلاف جهت آن ها انجام شود عبور کنند. برای گذشتن از عرض راه حتما از گذرگاه های پیاده عبور کنند. هنگام عبور از گذرگاه های پیاده مراقب حرکت وسایل نقلیه باشند و ناگهان از پیاده رو به سواره رو داخل نشوند. طبق ماده ۱۸۳ تکیه دادن و آویزان شدن اشخاص، به وسایل نقلیه، ممنوع است. طبق ماده ۱۸۷ اعمال ذیل در خیابان ها و معابر شهری ممنوع است مگر با اجازه نیروی انتظامی: ورزش و مسابقه های ورزشی، مسابقه با حیوانات یا وسایل نقلیه، بستن و خوراک دادن دام ها و پرندگان یا رها کردن آنها بدون نگهبان.

منبع: پایگاه خبری پلیس

امروز	اوقات شرعی به افق زاهدان	فردا
۰۴:۳۵	اذان صبح	۰۴:۳۶
۰۵:۵۸	طلوع آفتاب	۰۵:۵۸
۱۲:۲۹	اذان ظهر	۱۲:۲۹
۱۹:۰۱	غروب آفتاب	۱۹:۰۰
۱۹:۱۸	اذان مغرب	۱۹:۱۷

امروز	زاهدان	فردا
۳۴ / ۱۶		۳۵ / ۱۵

اخبار

دستگیری ۲ جاعل حرفه ای در چابهار

گروه حوادث- دو کلاهبردار حرفه ای جعل مهرهای ادارات و سازمان های دولتی در چابهار دستگیر شدند.

فرمانده انتظامی چابهار گفت: در پی کسب خبری مبنی بر این که شخصی با جعل مهر ادارات و سازمان های دولتی با مراجعه به رستوران های شهر پس از قرارداد اقدام به کلاهبرداری و اخاذی از آن ها می کند، موضوع به صورت ویژه در دستور کار کارآگاهان پلیس آگاهی قرار گرفت.

سرهنگ «حیدر علی کیخا مقدم» افزود: کارآگاهان فرد مورد نظر را در یکی از رستوران های شهر شناسایی و پس از اخذ مجوز قضایی او را در عملیاتی دستگیر کردند. به گزارش پایگاه خبری پلیس، وی ادامه داد: پس از بررسی های فنی و تخصصی از متهم چندین مهر ادارات دولتی که به صورت ماهرانه ای جعل کرده بود کشف شد. وی تصریح کرد: در بازجویی های به عمل آمده، متهم به بزه ارتکابی اعتراف و اظهار کرد مهرهای جعلی را با همکاری یکی از دوستانش جعل کرده است. بنابراین ماموران با دریافت آدرس متهم، همدست او را نیز در عملیاتی دستگیر کردند و پس از تشکیل پرونده مقدماتی برای سر مراحل قانونی به مراجع قضایی تحویل دادند.

۲۲ سارق در ایرانشهر دستگیر شدند

۲۲ سارق در ایرانشهر دستگیر شدند و به ۱۸ فقره سرقت اعتراف کردند.

فرمانده انتظامی ایرانشهر گفت: ماموران انتظامی در راستای اجرای طرح ارتقای امنیت اجتماعی و مبارزه با سرقت موفق به دستگیری ۲۲ سارق شدند که این متهمان به ۱۸ فقره سرقت اعتراف کردند.

سرهنگ «دوستعلی جلیلیان» افزود: در این راستا یک باند بزرگ سارقان مسلح و به عنف نیز شناسایی و دو نفر از اعضای آن از جمله سرکرده اش دستگیر شدند که به ۹۴ فقره انواع سرقت مسلحانه از منزل، مغازه، موتور سیکلت و سرقت مسلحانه گوشی همراه اعتراف کردند.

وی تصریح کرد: در این طرح که به مدت یک هفته اجرا شد انواع کالای قاچاق به ارزش بیش از ۵ میلیارد و ۷۷۰ میلیون ریال، ۶هزار لیتر سوخت خارج از چرخه قانونی و بیش از ۹۰ کیلوگرم انواع مواد مخدر، توسط مأموران انتظامی شهرستان کشف شد. وی ادامه داد: در این زمینه ۴ قاچاقچی مواد مخدر و ۷ معتاد متجاهر دستگیر و به مراجع قضایی تحویل شدند. وی بیان کرد: از دیگر دستاورد های این طرح توقیف پنج دستگاه خودرو و ۲۲ دستگاه موتورسیکلت متخلف است که برای سیر مراحل قانونی روانه پارکینگ شدند.

ورود ۹ جسد به پزشکی قانونی زاهدان در ۸ روز

۹ جسد در ۸ روز گذشته به پزشکی قانونی زاهدان وارد شد. مدیرکل پزشکی قانونی به خبرنگار ما گفت: این اجساد از ۲۲ تا ۲۹ مرداد به پزشکی قانونی زاهدان وارد شده است.

رضا عبدی افزود: از این تعداد ۸ جسد مربوط به تصادف و یک جسد مربوط به برق گرفتگی بوده و در این مدت هیچ مورد جنایی به پزشکی قانونی وارد نشده است.

محموله ۵۰۰ میلیون ریال کالای قاچاق توقیف شد

خودروی پژو ۴۰۵ حامل ۵۰۰ میلیون ریال کلای قاچاق در سیب و سوران توقیف شد.

فرمانده انتظامی سیب و سوران گفت: ماموران انتظامی هنگام گشت زنی به یک دستگاه خودرو پژو ۴۰۵ مشکوک شدند و برای بررسی بیشتر آن را متوقف کردند.

سرهنگ «حیدر حق جویان» افزود: در بازرسی از این خودرو پنج هزار عدد قرص غیر مجاز، ۳۶۸ فریم عینک و ۲۳ هزار و ۲۸۰ نخ سیگار قاچاق کشف و در این رابطه یک قاچاقچی نیز دستگیر شد. وی با اشاره به ارزش ۵۰۰ میلیون ریالی کالاهای توقیف شده تصریح کرد: متهم پس از تشکیل پرونده مقدماتی برای سیر مراحل قانونی تحویل مقامات قضایی شد.

یک کشته و ۸ مجروح در واژگونی تویوتا

گروه حوادث- واژگونی خودروی تویوتا در محور فرعی پیرسهراب از توابع چابهار یک کشته و ۸ زخمی برجای گذاشت.

رئیس مرکز فوریت های پزشکی و مدیریت حوادث دانشگاه علوم پزشکی چابهار به خبرنگار ما گفت: جمعه گذشته با اعلام این تصادف به مرکز ترافیک چابهار سه آمبولانس به محل حادثه اعزام شد.

«فریبرز راشدی» افزود: در این حادثه یک زن بر اثر جراحت شدید فوت کرد و ۸ سرنشین نیز مجروح شدند که از این میان سه نفر به صورت سرپایی در محل درمان شدند اما از آنجایی که جراحت ۵ مصدوم دیگر همراه با شکستگی بود برای اعزام آن ها به بیمارستان امام علی(ع) چابهار یک فروند بالگرد از اورژانس هوایی این شهرستان به محل اعزام شد و مصدومان برای ادامه درمان به بیمارستان منتقل شدند.